

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و والدین با احساس تنهایی در دانش‌آموزان دبیرستانی

محبوبه شریعی* دکتر مسعود فضیلت‌پور** دکتر مسعود حسینچاری***

دانشگاه شهید باهنر کرمان دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر با این هدف انجام شد تا امکان پیش‌بینی احساس تنهایی را در نوجوانان بر اساس دلبستگی آن‌ها به گروه همسال و والدین با بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی مورد کنکاش قرار دهد. روش پژوهش از نوع همبستگی و شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۴۶۰ نفر (۲۳۵ دختر و ۲۲۵ پسر) از دانش‌آموزان دوره‌ی دبیرستان شهر کرمان بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی، انتخاب شدند. پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان، پرسشنامه خودکارآمدی کودکان، و فرم کوتاه شده‌ی مقیاس احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی مورد استفاده قرار گرفتند. ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارها اعم از پایایی و روایی؛ به ترتیب با استفاده از روش آلفای کرانباخ و تحلیل عاملی بررسی شد و کفایت ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در حد مطلوب بود. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که دلبستگی به والدین به صورت منفی و معنی‌دار و کناره‌گیری از والدین به صورت مثبت و معنی‌دار، احساس تنهایی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان به صورت مثبت و معنی‌دار خودکارآمدی اجتماعی را پیش‌بینی کردند. علاوه بر این، خودکارآمدی اجتماعی، نقش میانجی میان سبک دلبستگی به والدین و احساس تنهایی ایفا کرد. یافته‌ها بر اساس ادبیات پژوهشی موجود و جایگاه نظری سازه تنهایی تبیین شده و به بحث گذاشته شده‌اند. در پایان ضمن اشاره به دلالت‌های نظری و کاربردهای عملی یافته‌ها؛ پیشنهادهایی برای انجام پژوهش بیشتر در حوزه مربوطه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی به والدین و همسالان، احساس تنهایی، خودکارآمدی

اجتماعی، نوجوانان

* کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Mahboubeshariati@yahoo.com

** استادیار روانشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

*** دانشیار روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

مقدمه

یکی از جنبه‌های مهم رشد انسان، فرآیند اجتماعی شدن اوست. ذاتی بودن زندگی جمعی در انسان‌ها، ضرورت تماس با دیگران را به‌عنوان امری گریزناپذیر جلوه می‌دهد. رشد اجتماعی دربردارنده ارتباط سالم و منطبق با موقعیت در افراد است. تعلیم و تربیت، اگر به دنبال پرورش انسان‌های رشد یافته باشد؛ لازم است مسئله رشد اجتماعی را به‌عنوان یکی از زمینه‌های فعالیت خود، مدنظر قرار دهد. در کنار رشد در سایر مهارت‌های تحصیلی پرداختن به جنبه‌های اجتماعی زندگی و کسب آمادگی‌های لازم برای برقراری رابطه‌ای سالم با دیگران، یکی از چالش‌های فراروی کودکان در حال پرورش و نیز به دنبال آن از وظایف متصدیان تعلیم و تربیت است (حسین‌چاری و خیر، ۱۳۸۱).

انسان موجودی اجتماعی است و از آنجا که سلامت در روابط اجتماعی در زندگی انسان‌ها مرکزیت دارد، احساس تنهایی را می‌توان یکی از شاخص‌هایی دانست که با توجه به آن می‌توان تصویری از سلامت انسان، حداقل در روابط اجتماعی ترسیم کرد. بررسی دقیق روابط بین فردی برای اولین بار، توسط سالیوان^۱ (۱۹۵۳) در قالب نظریه روابط بین فردی جایگاه خود را در مباحث روان‌شناسی به دست آورد. وی بر لزوم برقراری رابطه با دیگران، به دلیل ریشه داشتن آن در نیازهای اساسی انسانی تأکید می‌کند و بی‌کفایتی در تأمین نیاز به صمیمیت و تعلق‌پذیری را تحت عنوان احساس تنهایی مطرح می‌کند (برگونو، لروکس، مک آینش و شایخ^۲، ۲۰۰۴). این احساس بی‌کفایتی، تجربه‌ای ناخوشایند و عمیق است و می‌تواند ناشی از عدم ارضای نیاز ذاتی به تماس فیزیکی باشد (سالیوان، ۱۹۵۳).

احساس تنهایی، تجربه عاطفی ناخوشایند و پریشانی روحی مزمنی است (هورویتز و فرنچ^۳، ۱۹۷۹) که از تعارضات ارتباطی بین فردی و کاستی‌هایی در روابط اجتماعی شخص ناشی می‌شود (ساکلفسکی، یاکولیک و کلی^۴، ۱۹۸۶). احساس تنهایی با مشکلات جسمانی و روان‌شناختی بسیاری، همچون افسردگی، خودکشی، سوء‌مصرف مواد، عزت‌نفس پایین، خستگی، اضطراب، ناشاد زیستن، تیره‌روزی و احساس بدبختی (ساکلفسکی و یاکولیک، ۱۹۸۹) مرتبط بوده و تهدیدی برای سلامت روان، به‌کامی و کارکرد روانی - اجتماعی فرد بشمار می‌آید (مک رایتر^۵، ۱۹۹۰).

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ۲۹

گرچه احساس تنهایی قدمتی دیرینه و برابر تاریخ بشریت دارد (حجت و کراندال، ۱۹۸۷)، اما از نظر تاریخی، به‌ندرت به‌عنوان یک وضعیت روان‌شناختی قابل‌مطالعه و بلکه بیشتر به‌عنوان بخشی جداناپذیر از زندگی، که بایستی بدان تن در داد و تحمل کرد، در نظر گرفته شده است. از این‌رو روان‌شناسان، در ابتدا، احساس تنهایی را پدیده‌ای عینی با علل و راه‌حل‌های بدیهی، مدّ نظر داشتند (ایلت،^۷ ۲۰۰۱). اولین بررسی‌ها در زمینه‌ی احساس تنهایی به کارهای ویس^۸ (۱۹۷۳) بازمی‌گردد. ویس (۱۹۷۳) در نظریه تنهایی خود، بین دو نوع محرومیت شامل "فقدان یک شبکه اجتماعی" و "فقدان یک فرد صمیمی دیگر"، تمایز قائل شد و تنهایی ناشی از این دو نوع محرومیت را به ترتیب "احساس تنهایی اجتماعی"^۹ و "احساس تنهایی عاطفی"^{۱۰} نام‌گذاری کرد. او معتقد است که ما برای پر کردن خلأ تنهایی خود و احساس اطمینان و امنیت، نیاز به برقراری ارتباط با افراد بی‌شماری نداریم، بلکه به فرد خاصی احتیاج داریم که به ما اطمینان دهد می‌توانیم با دنیا و مشکلات آن مقابله کنیم. وی این فرد خاص را "نگاره دلبستگی"^{۱۱} و تنهایی ناشی از فقدان دلبستگی عاطفی به این نمادها و عدم رابطه نزدیک و صمیمی با افراد خاص دیگر را احساس تنهایی عاطفی نامید. احساس تنهایی اجتماعی از فقدان شبکه‌ای از روابط اجتماعی که فرد در آن جزئی از گروه دوستان با علائق و فعالیت‌های مشترک باشد و یا نداشتن جایگاهی در جامعه، حاصل می‌گردد.

از جمله عوامل تأثیرگذار بر احساس تنهایی که در شماری از پژوهش‌ها به آن پرداخته شده است نقش تجارب عاطفی اولیه دوران کودکی با "دیگران مهم"^{۱۲} است، که از آن به‌عنوان دلبستگی والد-کودک یاد می‌شود. تحقیقات انجام‌شده در این حیطه بیشتر به سبک‌های دلبستگی در قالب ایمن، نایمن و اجتنابی پرداخته‌اند (باروکاس^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ دی‌توماسو، مک‌نالتی، راس و برگس^{۱۴}، ۲۰۰۳؛ میکولینسر و ناچشون^{۱۵}، ۱۹۹۱؛ بارتلمئو^{۱۶} و هورویتز، ۱۹۹۱) و عمدتاً نیز بر دوران کودکی متمرکز بوده‌اند (سلیمی، ۱۳۸۷). در بافتار روان‌شناسی منظور از دیگران مهم، شخص یا اشخاصی است که تأثیر بسیار زیادی بر زندگی و یا سلامت یک فرد دارند. در بافتار جامعه‌شناسی، مراد از دیگران مهم، فرد و یا افرادی هستند که تأثیر و نفوذ بسیار بالایی بر عزت‌نفس فرد دارند (ویکی پیدیا).

نظریه دلبستگی با تأکید بر اهمیت پیوندهای عاطفی در روابط بیان می‌کند که کودکان بر اساس تجارب اولیه خود با مراقبان یا والدین، مدل‌های کارکرد درونی^{۱۷} یا طرح‌واره‌های ذهنی از خود یا دیگران تشکیل می‌دهند. برترتون^{۱۸} (۱۹۸۵) استدلال کرد که

۳۰..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

مدل‌های کارکرد درونی، هسته اصلی تداوم دلبستگی کودکی به دلبستگی نوجوانی است. در دلبستگی ایمن، این طرح‌واره‌ها بازتابی از روابط گرم و محبت‌آمیز با مراقبان، احساس اطمینان به خود و دیگران، گرایش به برقراری روابط نزدیک با افراد دیگر، عضویت در گروه‌های اجتماعی و لذا احساس تنهایی کمتر هستند (شیور^{۱۹} و میکولینسر، ۲۰۰۲). اما مدل‌های کارکرد درونی منفی از خود یا دیگران، در افراد دلبسته نایمن، مانع از شکل‌گیری یا تداوم روابط معنادار و صمیمانه با دیگران و در نتیجه احساس تنهایی می‌گردد. در پژوهش حاضر، دلبستگی به والدین و همسالان به‌عنوان دو پیشاینده مهم احساس تنهایی مد نظر قرار گرفته‌اند. علاوه بر این رابطه مستقیم بین محیط خانواده و تعامل والد-فرزند با احساس تنهایی؛ حساسیت، پاسخگویی و حضور فعال و دسترسی منظم کودک به والدین، خطوط اصلی دلبستگی ایمن را در کودک ترسیم می‌کنند. در این پایگاه امن که متضمن اعتماد کودک به دیگران و خود است، رفتارهای اکتشافی کودک تقویت می‌شوند و مهارت‌های اجتماعی گسترش می‌یابند. پناهگاه امن خانواده و پاسخ مثبت والدین به تلاش‌های کم‌فرزندان، سبب می‌شود که کودک علاوه بر اینکه این پناهگاه بیرونی را در وجود خود درونی کند و این احساس امنیت روانی را با خود به محیط‌های اجتماعی می‌برد، به خود اطمینان پیدا می‌کند که حتی کوشش‌های کم وی بی‌پاسخ نخواهد ماند. بنابراین، کودکان در آینده مادامی که در ارتباطات بین‌فردی خود مهارت لازم را کسب خواهند کرد، پشتکار، جدیت و اطمینان به تلاش خود را باور خواهند کرد و خود را به‌صورت افرادی توانمند و کارآمد که توان رویارویی با چالش‌های شناختی و اجتماعی را دارند، در نظر خواهند گرفت. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دلبستگی با تأثیر بر متغیرهای انگیزشی همچون خودکارآمدی نیز بر احساس تنهایی تأثیرگذار است.

از آنجا که خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نخستین پایگاه ارتباطی با فرزندان محسوب می‌شود، نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت و شاخص‌های سلامت روان فرزندان ایفا می‌کند. علاوه بر این؛ یکی از مسائل مهمی که بر رشد نوجوانان به‌ویژه نوجوانانی که درگیر مشکل احساس تنهایی هستند تأثیر می‌گذارد تعاملات با والدین است. مسئله مهم دیگر در این بین آن است که در دوران نوجوانی و جوانی ضمن افزایش فاصله عاطفی بین والدین و نوجوانان، تعدد "دیگران مهم" نیز دیده می‌شود و دامنه آن به دوستان و همسالان نیز گسترش می‌یابد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵).

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ۳۱

ویس (۱۹۷۳) معتقد بود که اختلال در نظام دلبستگی اولیه به والدین در طی نوجوانی ممکن است منجر به خلأ عاطفی دلبستگی شود. ویس (۱۹۷۳) اثبات کرد که فقط در روابط با همسالان که احساس می‌شود از نظر عاطفی مهم باشند، رشته‌های دلبستگی شروع به شکل گرفتن می‌کنند. به نظر می‌رسد که احساس تنهایی در طول نوجوانی بیشترین شیوع را دارد. در واقع بر اساس نظر سیپولا و بوکسکی (۱۹۹۹) تنهایی در نوجوانی امری مورد انتظار و هنجاری است. به این خاطر که در طول این دوره انتظارات اجتماعی، نقش‌ها، روابط و هویت شخصی نوجوانان دستخوش تغییرات قابل توجهی می‌شود. اما احساس دائمی و دردناک تنهایی اختلالی است که ادامه آن باعث اثرگذاری منفی بر روابط اجتماعی آتی و سلامت روانی می‌گردد (هنریچ و گالون، ۲۰۰۵).

بنابراین احساس تنهایی در نوجوانی زمانی بروز می‌کند که نوجوانان مهارت‌های اجتماعی لازم برای کنار آمدن با تغییرات حاصل شده در محیط اجتماعی‌شان را کسب نکرده باشند (پپلائو و پرلمن، ۱۹۸۲). همچنین از آنجایی که ایجاد روابط صمیمی در طول این دوران از اهمیت خاصی برخوردار است، عدم تعلق ممکن است زمینه‌ساز احساس تنهایی گردد (نتو و باروس، ۲۰۰۰). از اواسط تا اواخر نوجوانی نیاز به صمیمیت افزایش می‌یابد (برمست، ۱۹۹۰). از این رو تکلیف مهم رشدی در این دوره از زندگی ایجاد روابط نزدیک با گروه دوستان است (استنبرگ و موریس، ۲۰۰۱). عدم ایجاد روابط صمیمی ممکن است به تنهایی منجر گردد، چراکه تنهایی به‌عنوان واکنش منفی عاطفی به اختلاف بین سطوح ارتباط اجتماعی ایده‌آل و واقعی اطلاق می‌شود (پپلائو و پرلمن، ۱۹۸۲). با توجه به افزایش توانایی برای صمیمیت انتظار می‌رود که احساس تنهایی از اواسط به اواخر نوجوانی کاهش یابد. باین حال تمام نوجوانان در ایجاد صمیمیت و روابط دوستانه رضایت‌بخش موفق عمل نمی‌کنند. یافته‌های میلینگ و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که دلبستگی ایمن با همسالان می‌تواند منجر به کاهش افسردگی در میان نوجوانان دانش‌آموز شود. علت این امر آن است که در دوره‌ی نوجوانی نیاز نوجوان به همسالان بیشتر از گذشته می‌شود و حضور همسالان حمایتگر می‌تواند به نوجوان در سازگاری بهتر کمک کند. در خصوص اثر مستقیم دلبستگی به همسالان بر احساس تنهایی می‌توان گفت که دلبستگی به همسالان نسبت به دلبستگی به والدین، بیشتر منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌های منفی بین فردی می‌شود. به عبارت دیگر، دلبستگی به همسالان تأثیر چندانی بر شکل‌گیری طرح‌واره‌های منفی درون فردی (خود انتقادی، وابستگی و کارآمدی) ندارد (سلیمی و

۳۲..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

جوکار، (۱۳۹۱). بر اساس نظریه جدایی- تفرّد (لاپلی، ۱۹۹۳)، نوجوانان برای کسب هویت نیاز به جدایی از والدین و نزدیکی به دوستان دارند، در نتیجه اثرات عدم دلبستگی به همسالان، در این سنین بسیار آسیب‌زاتر از جدایی از والدین است. زیرا این دلبستگی امکان مقابله با درد جدایی از والدین و مستقل شدن را فراهم می‌آورد. بنابراین، دلبستگی به همسالان بدون آنکه تأثیر منفی بر هویت اجتماعی فرد داشته باشد، به صورت مستقیم و منفی با احساس تنهایی ارتباط پیدا می‌کند.

با توجه به مطالبی که ذکر آن گذشت، در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا دلبستگی به والدین و همسالان با میزان احساس تنهایی فرد رابطه دارد؟ و آیا احساس تنهایی از طریق دلبستگی به والدین و همسالان پیش‌بینی می‌گردد؟ افزون بر این همان‌طور که گفته شد کارآمدی اجتماعی و کسب مهارت‌ها و توانایی‌ها در حل مسائل اجتماعی در ارتباط با تعاملاتی با والدین و همسالان در دوران نوجوانی است. با وجود این تأثیر هم‌زمان تعاملات با والدین یا همان دلبستگی و خودکارآمدی در احساس تنهایی نوجوانان هنوز بررسی نشده است. بنابراین، در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی ارتباط بین دلبستگی به والدین و همسالان با احساس تنهایی بر اساس نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی، پرداخته شود.

روش پژوهش

شرکت کنندگان پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی متوسطه شهر کرمان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسای و مورگان^{۲۰} (۱۹۷۰) ۳۸۴ نفر تعیین شد که با توجه به احتمال ریزش و نیز انتخاب زیر نمونه‌ها برحسب جنسیت، با احتساب ۲۰٪ حجم نمونه اضافه، تعداد ۴۶۰ نفر (۲۳۵ دختر و ۲۲۵ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. جهت انتخاب اعضای گروه نمونه ابتدا از بین مدارس متوسطه در شهر کرمان چهار مدرسه دخترانه و چهار مدرسه پسرانه و در هر مدرسه از میان کلاس‌های مربوط به پایه‌ی اول، دوم و سوم،

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و^{۳۳}
دو کلاس به‌طور تصادفی انتخاب شدند. سپس تمام دانش‌آموزان این کلاس‌ها مورد
ارزیابی قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

در این مطالعه از سه ابزار شامل پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان (موریس^{۲۱}،
۲۰۰۱)، فرم کوتاه شده‌ی مقیاس احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی (دی‌توماسو، برانن و
بست^{۲۲}، ۲۰۰۴)، ادراک دلبستگی به والدین و همسالان (آرمسدن و گرینبرگ^{۳۳}، ۱۹۸۷)
استفاده شد.

فرم کوتاه شده‌ی مقیاس احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی^{۲۴} (دی‌توماسو، برانن و بست،
۲۰۰۴): این مقیاس بر اساس نظریه ویس (۱۹۷۳) برای سنجش متغیر احساس تنهایی
طراحی شده و شامل دو بُعد کلی احساس تنهایی عاطفی (مجموع احساس تنهایی رمانتیک
و خانوادگی) و احساس تنهایی اجتماعی است. این مقیاس شامل ۱۵ گویه با مقیاس
لیکرت است و هر یک از ابعاد رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی را به کمک پنج گویه
ارزیابی می‌کند. مؤلفان این مقیاس، ضریب پایایی آلفای کرانباخ را بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۰
گزارش کرده‌اند بعلاوه، همبستگی معنادار بین زیر مقیاس‌های این ابزار و زیر مقیاس‌های
پرسشنامه ادراک دلبستگی به والدین و همسالان وجود نشان از روایی هم‌زمان، افتراقی و
همگرایی بسنده این مقیاس دارد. در ایران، جوکار و سلیمی (۱۳۹۰) پس از ترجمه و
انطباق فرهنگی روایی و پایایی این مقیاس را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش آنان
برای محاسبه ضریب پایایی، از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شد. این پژوهشگران ضریب
پایایی به دست آمده برای ابعاد احساس تنهایی رمانتیک، اجتماعی و خانوادگی را به ترتیب
برابر ۰/۹۲، ۰/۸۴ و ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. به‌علاوه، نتایج تحلیل عاملی انجام شده توسط
جوکار و سلیمی (۱۳۹۰) بر روی گویه‌های این ابزار نشان داد که سه عاملی بودن این ابزار
بهترین تناسب را با داده‌های پژوهش آن‌ها دارد، این نتایج شواهدی بر روایی ابزار یاد شده
تلقی شده است. یافته‌های جوکار و سلیمی (۱۳۹۰)، بیانگر آن بود که مقیاس احساس
تنهایی از روایی و پایایی بسیار مناسبی در ایران برخوردار است؛ بنابراین برای اندازه‌گیری
میزان و نوع احساس تنهایی در ایران کارایی دارد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرانباخ
برای هر یک از زیرمقیاس‌ها محاسبه شد. ضرایب پایایی حاصله برای ابعاد احساس تنهایی
رمانتیک، احساس تنهایی خانوادگی و احساس تنهایی اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۶۶، ۰/۷۱

۳۴..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

و ۰/۵۸ به دست آمد که حکایت از پایایی مطلوب این مقیاس داشت. در پژوهش حاضر آلفای کرانباخ برای احساس تنهایی عاطفی (مجموع احساس تنهایی رمانتیک و خانوادگی) نیز محاسبه شد که برابر ۰/۷۱ به دست آمد.

پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان^{۲۵} (موریس، ۲۰۰۱): این پرسشنامه برای ارزیابی خودکارآمدی کودکان و نوجوانان در سه حیطه‌ی اجتماعی، تحصیلی و هیجانی تهیه شده و شامل ۲۳ گویه است. پاسخ به این پرسشنامه بر مبنای طیف پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت محاسبه می‌شود. پایایی این سه عامل در مجموع ۰/۷۰، پایایی خودکارآمدی اجتماعی ۰/۷۸، تحصیلی ۰/۸۷ و هیجانی ۰/۸۰ گزارش شده است (موریس ۲۰۰۱). در ایران، طهماسیان (۱۳۸۴) ضریب پایایی را مطلوب گزارش کرد. در پژوهش حاضر، فقط زیر مقیاس خودکارآمدی اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین پایایی این ابزار از فرمول آلفای کرانباخ استفاده شد که برابر ۰/۶۵ به دست آمد.

پرسشنامه ادراک دلبستگی به والدین و همسالان^{۲۶} (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷): این پرسشنامه ۲۴ گویه ای به منظور سنجش ادراک دلبستگی به والدین و همسالان در نوجوانان و بزرگسالان تهیه شده است. ۱۲ گویه ادراک دلبستگی به والدین و ۱۲ گویه ادراک دلبستگی به همسالان را می‌سنجند. هر گویه در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) قرار دارد. مؤلفان این پرسشنامه، ضریب پایایی بازآزمایی به فاصله سه هفته را برای دلبستگی به والدین ۰/۹۳ و برای دلبستگی به همسالان ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. اشرف (۱۳۸۵) پایایی نسخه‌ی فارسی این مقیاس را مطلوب گزارش کرده است. از آنجایی که این پرسشنامه دو وجه را مورد سنجش قرار می‌داد (دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان)، در مطالعه حاضر، پایایی هر بُعد به‌طور جداگانه محاسبه شد و نتایج نشان داد که پایایی بُعد دلبستگی به والدین کم است (۰/۴۵)، در نتیجه از روش تحلیل عوامل با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد و نتایج نشان داد که بُعد دلبستگی به والدین شامل دو عامل است. مقدار ضریب کایزر - مایر- اولکین^{۲۷} برابر ۰/۸۶ بود که بیانگر کفایت نمونه‌گیری سؤالات است. مقدار ضریب کرویت بارتلت با درجه آزادی ۶۶ نیز برابر با ۱۲۵۲/۷۰ بود که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنی‌دار بود و بیانگر معناداری درجه تعامل و هم پراشی لازم بین ماده‌های مقیاس به منظور ورود به تحلیل عامل بود. با در نظر گرفتن مقدار ارزش ویژه بالاتر از

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ۳۵

یک، دو عامل استخراج شد. بررسی تخصصی محتوای مورد اندازه‌گیری توسط هر یک از گویه‌های مستخرج از تحلیل عامل نشان داد که می‌توان عامل‌های استخراجی را به ترتیب با عنوان دلبستگی به والدین (عامل اول با سؤالات ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ و ۸) و کناره‌گیری از والدین (عامل دوم با سؤالات ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲) نام‌گذاری نمود (جدول ۱). لازم به توضیح است گویه شماره ۴ به دلیل بار عاملی پایین از مقیاس کنار گذاشته شد. این دو عامل در مجموع ۴۶/۰۹ از واریانس کل نمرات را تبیین نمودند. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرانباخ استفاده شد که ضریب پایایی برای ابعاد دلبستگی به والدین، کناره‌گیری از والدین و دلبستگی به همسالان به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۵ و ۰/۶۳ به دست آمد.

جدول ۱: تحلیل عوامل پرسشنامه ادراک دلبستگی به والدین و همسالان

کناره‌گیری از والدین	دلبستگی به والدین	گویه‌ها
	۰/۶۷	۱- درباره مسائل و مشکلاتم با والدینم صحبت میکنم.
	۰/۷۲	۲- والدینم به من کمک می‌کنند تا خودم را بهتر بشناسم.
	۰/۶۹	۳- چنانچه والدینم متوجه شوند که چیزی باعث رنجش و ناراحتی من شده، راجع به آن از من سؤال می‌پرسند.
	۰/۷۰	۵- والدینم به احساسات من احترام می‌گذارند.
	۰/۶۵	۶- هنگامی که از موضوعی عصبانی ام، والدینم سعی در فهم آن موضوع می‌کنند.
	۰/۶۱	۸- والدینم مرا، آنطور که هستم، پذیرفته‌اند.
۰/۶۳		۷- ای کاش والدین دیگری داشتم.
۰/۷۴		۹- در خانه توجه زیادی به من نمی‌شود.
۰/۶۸		۱۰- در خانه به راحتی نادیده گرفته می‌شوم.
۰/۶۰		۱۱- وقتی با والدینم راجع به مشکلاتم صحبت می‌کنم، احساس شرم و حقارت می‌کنم.
۰/۷۰		۱۲- نسبت به والدینم احساس خشم می‌کنم.
۲/۴۹	۳/۰۴	مقدار ارزش ویژه
۲۰/۷۲	۲۵/۳۶	درصد واریانس
	۴۶/۰۹	واریانس کل

۳۶..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی بین آنها در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر (n=۴۶۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
خودکارآمدی اجتماعی	۲۶/۹۰	۵/۱۴	۱						
اجتماعی	۱۳/۶۳	۴/۲۸	-۰/۲۵**	۱					
عاطفی	۲۱/۲۸	۶/۹۰	-۰/۲۸**	۰/۶۰**	۱				
رمانتیک	۱۰/۴۶	۳/۹۹	-۰/۲۵**	۰/۵۹**	۰/۷۴**	۱			
خانوادگی	۱۰/۸۲	۴/۷۸	-۰/۲۰**	۰/۳۷**	۰/۸۳**	۰/۲۳**	۱		
به والدین	۲۲/۱۴	۵/۴۴	۰/۱۹**	-۰/۲۳**	-۰/۵۰**	-۰/۱۶**	-۰/۵۸**	۱	
کناره‌گیری از والدین	۱۱/۰۰	۵/۰۴	-۰/۰۶	۰/۲۴**	۰/۴۹**	۰/۱۵**	۰/۵۸**	۳۹	۱
به همسالان	۳۴/۸۴	۷/۳۸	۰/۲۷**	-۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۱۵**	۰/۱۳**	۰/۰۷	۰/۴۵**

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

به منظور بررسی و پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر با کاربرد رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی هم‌زمان طبق مراحل پیشنهادی بارون و کنی^{۲۸} (۱۹۸۶)، استفاده شد.

در مرحله‌ی اول دلبستگی به والدین و کناره‌گیری از والدین به‌عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر احساس تنهایی به‌عنوان متغیر ملاک و به‌طور هم‌زمان وارد معادله رگرسیونی شدند. با توجه به اینکه برای متغیر احساس تنهایی، یک نمره‌ی واحد محاسبه نمی‌شود و دو مؤلفه جداگانه (شامل احساس تنهایی عاطفی و احساس تنهایی اجتماعی) در این باره وجود دارند؛

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ۳۷
 بنابراین در دو تحلیل جداگانه هرکدام از این مؤلفه‌ها به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند. خلاصه‌ی نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۳ ارائه شده است

جدول ۳: پیش‌بینی احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی به والدین و کناره‌گیری از والدین

ملاک	پیش‌بین	F	p	R	R ²	β	t	p
احساس تنهایی عاطفی	دلبستگی به والدین	۱۲۲/۵۱	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹	۰/۳۵	-۰/۳۶	-۸/۷۹	۰/۰۰۰۱
	کناره‌گیری از والدین					۰/۳۵	۸/۵۲	۰/۰۰۰۱
احساس تنهایی اجتماعی	دلبستگی به والدین	۱۹/۵۴	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸	۰/۰۸	-۰/۱۶	-۳/۳۵	۰/۰۰۱
	کناره‌گیری از والدین					۰/۱۷	۳/۵۷	۰/۰۰۰۱

نتایج جدول ۳ حاکی از این است که دلبستگی به والدین به‌صورت معکوس و معنی‌دار و کناره‌گیری از والدین به‌صورت مثبت، هم احساس تنهایی عاطفی و هم احساس تنهایی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند.

همچنین، در پاسخ به سؤالات فرعی پژوهش که کدام یک از ابعاد دلبستگی به والدین و همسالان پیش‌بینی کننده‌ی قوی‌تری برای احساس تنهایی عاطفی و احساس تنهایی اجتماعی می‌باشند، نتایج این تحلیل نشان دادند که از میان دو بُعد دلبستگی به والدین و کناره‌گیری از والدین، بُعد دلبستگی به والدین در پیش‌بینی احساس تنهایی عاطفی و بُعد کناره‌گیری از والدین در پیش‌بینی احساس تنهایی اجتماعی، قدرت پیش‌بینی کنندگی بیشتری داشتند. در مرحله‌ی دوم سبک‌های دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و خودکارآمدی اجتماعی به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله‌ی رگرسیونی شدند. خلاصه نتایج تحلیل‌های مزبور در جدول ۴ آورده شده است.

۳۸..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

جدول ۴: پیش‌بینی خودکارآمدی اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی به والدین و همسالان

ملاک	پیش‌بین	F	p	R	R ²	β	t	p
خودکارآمدی اجتماعی	دلبستگی به والدین	۲۵/۹۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۱۸	۳/۹۶	۰/۰۰۰۱
	دلبستگی به همسالان					۰/۲۶	۵/۷۴	۰/۰۰۰۱

همان‌گونه که از مندرجات جدول ۴ برمی‌آید، هر دو سبک دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان به صورت مثبت و معنی‌دار خودکارآمدی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. در مرحله سوم متغیرهای سبک دلبستگی به والدین و کناره‌گیری از والدین و خودکارآمدی اجتماعی به عنوان متغیر پیش‌بین و احساس تنهایی به عنوان متغیر ملاک در دو تحلیل جداگانه وارد معادله رگرسیونی شدند. خلاصه نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: بررسی واسطه‌گری خودکارآمدی اجتماعی

ملاک	پیش‌بین	F	P	R	R ²	β	t	p
احساس تنهایی عاطفی	خودکارآمدی اجتماعی	۹۵/۹۹	۰/۰۰۰۱	۰/۶۲	۰/۳۹	-۰/۳۲	-۷/۹۱	۰/۰۰۰۱
	دلبستگی به والدین					۰/۳۵	۸/۸۶	۰/۰۰۰۱
احساس تنهایی اجتماعی	خودکارآمدی اجتماعی	۲۱/۳۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	۰/۱۲	-۰/۱۲	-۲/۴۸	۰/۰۱۴
	دلبستگی به والدین					۰/۱۸	۳/۷۴	۰/۰۰۰۱

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که در مقایسه با جدول ۳ در بُعد احساس تنهایی عاطفی کاهش بتا در حوزه دلبستگی به والدین مشاهده شد ($\beta = -0/32$) و همچنین در بُعد احساس تنهایی اجتماعی نیز میزان بتا در حوزه دلبستگی به والدین کاهش پیدا کرده است ($\beta = -0/12$). این نشان می‌دهد که متغیر خودکارآمدی اجتماعی، نقش واسطه‌گری بین سبک دلبستگی به والدین و احساس تنهایی ایفا می‌کند. همچنین، لازم به ذکر است که

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و^{۳۹}

ضریب مسیر بتا برای بُعد کناره‌گیری از والدین در مقایسه با جدول ۳ در این تحلیل کاهش نیافته است؛ بنابراین خودکارآمدی اجتماعی برای بُعد کناره‌گیری از والدین نمی‌تواند نقش واسطه‌ای ایفا نماید. علاوه بر این برای تعیین ارتباط علی دلبستگی به والدین، کناره‌گیری از والدین و دلبستگی به گروه همسال در تنهایی عاطفی و تنهایی اجتماعی با بررسی نقش متغیر میانجی خودکارآمدی اجتماعی از تحلیل مسیر استفاده شد. بدین منظور از نرم افزار AMOS 23 استفاده شد. برای متغیرها، صرفاً نمره‌های کل زیر مقیاس‌ها به عنوان متغیرهای آشکار وارد تحلیل شدند. برای بررسی مدل، مسیرهای یک طرفه از دلبستگی به والدین، کناره‌گیری از والدین و دلبستگی به گروه همسال بر تنهایی عاطفی اجتماعی در نظر گرفته شد. مدل نهایی در شکل ۱ آورده شده است، که در این مدل مستطیل‌ها نشان دهنده متغیرهای آشکار هستند. ضرایب نشان داده شده در مدل ترسیم شده، ضرایب مسیر هستند. چند شاخص برای برازش مدل شامل شاخص برازش تطبیقی^{۲۹} (CFI؛ بنتلر^{۳۰}، ۱۹۹۰)، شاخص تاکر-لویز^{۳۱} (TLI؛ بنتلر)، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA^{۳۳}، ۱۹۹۳)، مورد بررسی قرار گرفتند. برای CFI و TLI ارزش بیشتر از ۰/۹۵ و برای RMSEA ارزش کمتر از ۰/۵۰ نشان دهنده برازش خوب در نظر گرفته شد (براون و کوداک، ۱۹۹۳). در ابتدا مدل اصلی شامل همه مسیرهای مورد نظر آزمون شد. به طور کلی نتایج بدست آمده نشان داد که مدل نهایی داده‌ها را به خوبی برازش می‌نماید. نتایج برازش مدل و شاخص‌های نیکویی برازش در جدول ۶ آورده شده است بنابراین با توجه به مقادیر شاخصهای برازش الگو و مرز مقادیر قابل قبول که در جدول بیان شده است می‌توان گفت که مدل ارائه شده مورد قبول است.

جدول ۶- شاخص‌های برازش مدل.

سطح مورد قبول	χ^2	df	CFI	TLI	RMSEA
مقادیر محاسبه شده	۲/۲	>۱	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۱
مقادیر محاسبه شده		۱	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۰۵

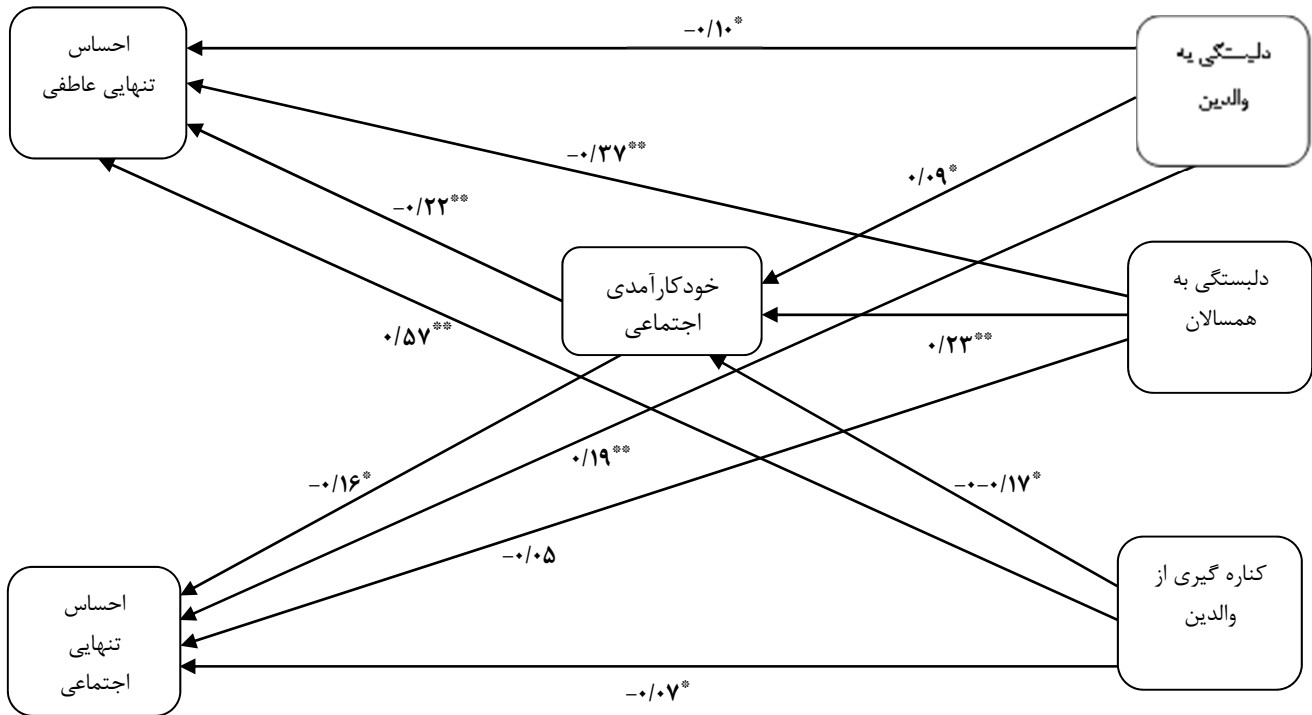
۴۰..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

جدول ۷- شاخص های اطمینان بوت استرپ شده برای اثرات مستقیم

اثرها	متغیرها	دلبستگی به همسالان	کناره‌گیری از والدین	دلبستگی به والدین	خودکارآمدی اجتماعی
مستقیم	خودکارآمدی اجتماعی	۰/۲۳**	-۰/۱۷*	۰/۰۹*	-
	احساس تنهایی اجتماعی	-۰/۰۵	۰/۱۹**	-۰/۰۷	-۰/۱۶*
	احساس تنهایی عاطفی	-۰/۱۰*	۰/۵۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۲**
غیرمستقیم	خودکارآمدی اجتماعی	-	-	-	-
	احساس تنهایی اجتماعی	-۰/۰۳**	-۰/۰۲*	-۰/۰۱*	-
	احساس تنهایی عاطفی	-۰/۰۵**	-۰/۰۴*	-۰/۰۲*	-
کل	خودکارآمدی اجتماعی	۰/۲۳**	-۰/۱۷*	۰/۰۹*	-
	احساس تنهایی اجتماعی	-۰/۰۹*	۰/۲۲**	-۰/۰۹*	۰/۱۶**
	احساس تنهایی عاطفی	-۰/۱۶**	۰/۶**	-۰/۳۹**	-۰/۲۲**

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

نتایج (جدول ۷) نشان داد که متغیر خودکارآمدی اجتماعی نقش میانجی معناداری در تاثیر دلبستگی به همسالان، کناره‌گیری از والدین و دلبستگی به والدین بر احساس تنهایی اجتماعی و احساس تنهایی عاطفی دارد. در شکل شماره ۱ نمودار تحلیل مسیر و ضرایب حاصله مدل آماری مورد مطالعه، آورده شده است.



شکل ۱: نمودار تحلیل مسیر مدل پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌گری خودکارآمدی اجتماعی در ارتباط میان احساس تنهایی و سبک دلبستگی به والدین و همسالان بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که دلبستگی به والدین به صورت معکوس و کناره‌گیری از والدین به صورت مثبت هم احساس تنهایی عاطفی و هم احساس تنهایی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که از میان دو بُعد دلبستگی به والدین و کناره‌گیری از والدین، بُعد دلبستگی به والدین در پیش‌بینی احساس تنهایی عاطفی و بُعد کناره‌گیری از والدین در پیش‌بینی احساس تنهایی اجتماعی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری داشتند. این یافته با پژوهش‌های پیشین همسو است که از ارتباط معنی‌دار بین احساس تنهایی و سبک

۴۲..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

دلبستگی دانشجویان حمایت کرده‌اند (کرمانی مامازندی و شهیدی، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، با افزایش سطوح دلبستگی ایمن، احساس تنهایی کاهش یافته است. یافته حاضر همچنین در راستای یافته‌های برناردن، باب، لارسون و گریگ^{۳۴} (۲۰۱۱) است که نشان دادند افراد برخوردار از سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین‌تری از هر نوع احساس تنهایی را در مقایسه با افرادی که سبک دلبستگی ایمن پایین‌تری داشتند گزارش کردند. بنابراین، همچنان‌که میکولینسر و شیور (۲۰۰۷) اشاره کرده‌اند، همیشه می‌توان بین احساس تنهایی و دلبستگی ایمن به والدین و همسالان ارتباط معکوس انتظار داشت. یکی از تبیین‌های ممکن برای این یافته این است که روابط والد-کودکی مثبت، به واسطه‌ی تشکیل مدل‌های مثبت از خود و دیگران (دلبستگی ایمن)، در پیدایش سطوح پایین‌تر احساس تنهایی نقش دارند و افراد دلبسته ایمن کمترین میزان احساس تنهایی را در مقایسه با سبک‌های نایمن اجتماعی و دوسوگرا دارند (لاروس، گوای و بویوین^{۳۵}، ۲۰۰۲).

با کاهش دلبستگی به والدین، نوجوانان به واسطه‌ی مدل‌های ذهنی یا خود پنداره‌های منفی نسبت به خود یا دیگران، بازنمایی شناختی مبنی بر اینکه سزاوار محبت نیستند و به دلیل عدم صلاحیت اجتماعی طرد خواهند شد یا اینکه دیگران قابل اطمینان نیستند، دارند. این پیش‌بینی‌ها و انتظارات مفروض راجع به خود و دیگران می‌تواند بر توانایی فرد در برقراری و بسط روابط صمیمی و نزدیک عاطفی تأثیر گذاشته، از کیفیت و صمیمیت روابط میان‌فردی بکاهد و در نتیجه به احساس تنهایی منجر گردد (شیور و میکولینسر، ۲۰۰۲). از آنجایی که صمیمیت در دوران نوجوانی از اهمیت خاصی برخوردار است، عدم تعلق، می‌تواند زمینه‌ساز احساس تنهایی در این دوره باشد (لارسون^{۳۶}، ۱۹۹۹). همچنین، مطابق با نظریه سیستم‌ها، والدین می‌توانند از طریق راهنمایی‌های اجتماعی، نوجوانان را در گسترش مهارت‌های اجتماعی، برقراری روابط صمیمانه و در نتیجه کاهش احساس تنهایی یاری دهند. از این رو، کناره‌گیری از والدین با کاهش دلبستگی ایمن و در نتیجه خلأ آموزش والدین در زمینه‌ی مهارت در تعاملات اجتماعی سبب می‌شود که نوجوانان روابط صمیمانه‌ای با همسالان تشکیل ندهند و به موجب این امر، در روابط با دیگران وارد نشوند و از ورود به شبکه‌های اجتماعی دوستان و همسالان پرهیز کنند که در این صورت، در معرض احساس تنهایی اجتماعی قرار می‌گیرند.

بعلاوه مطالعه حاضر نشان داد که هر دو سبک دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان به صورت مثبت و معنی‌دار خودکارآمدی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ۴۳

در راستای مطالعات قبلی است که نشان داده‌اند بین خودکارآمدی افراد دارای سبک دلبستگی ایمن و نایمن تفاوت معنی‌داری وجود دارد (امیری، بنی‌جمالی، احدی و احدی، ۲۰۱۳). افراد با سبک دلبستگی ایمن، خودکارآمدی بالاتری را نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی نایمن گزارش می‌کنند. به‌علاوه یافته حاضر در راستای مطالعات قبلی است که از ارتباط معنادار بین دلبستگی به والدین و خودکارآمدی حمایت نموده و نشان داده‌اند که دلبستگی به والدین می‌تواند خودکارآمدی را پیش‌بینی نموده (کرول، هوگتان، وود، انسورث، هاتی، گوردن و باور^{۳۷}، ۲۰۰۹) و دلبستگی به والدین پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌داری برای کارآمدی است (جوکار و سلیمی، ۱۳۹۱؛ ویزمن، مایسلز و شارابانی^{۳۸}، ۲۰۰۶ و وی، راسل و زاکالیک^{۳۹}، ۲۰۰۵). در تبیین این یافته می‌توان گفت طبق نظر بالبی^{۴۰} (۱۹۷۳) روابط دلبستگی همیشه موجود و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند، به این معنا که سوابق روابط عاطفی کودک با مراقب خود پیامدهای بلندمدتی را ایجاد می‌کند که آثارش تا سنین بزرگسالی نیز به چشم می‌خورد (گودوین^{۴۱}، ۲۰۰۴). بی‌شک، خانه و خانواده نخستین جاهایی هستند که به کودک تجارب شایستگی و خودباوری می‌بخشند. در یک محیط تحریک‌کننده، کودک به اکتشاف می‌پردازد و پی می‌برد رفتارهای او پیامدهایی به دنبال دارند و به‌این‌ترتیب حسی از خودکارآمدی را شکل می‌دهد (بندورا^{۴۲}، ۱۹۹۷).

دلبستگی ایمن به والدین و همسالان، به‌ویژه تعامل مؤثر والد-فرزند، به ایجاد و افزایش خودکارآمدی نوجوانان و اطمینان آن‌ها در برخورد مؤثر با چالش‌های اجتماعی، کمک می‌کند. بنابراین، اگر محیطی که فرد در آن رشد می‌کند محیطی غنی باشد که اهدافش در راستای توانمندسازی افراد باشد، بسیاری از رفتارهای مناسب می‌تواند توسط نوجوانان مشاهده و الگوگیری و سرانجام آموخته شوند. یافته بسیار مهم دیگر مطالعه حاضر این بود که خودکارآمدی اجتماعی نقش واسطه‌ای معناداری بین متغیرهای پیشگو شامل دلبستگی به والدین و کناره‌گیری از والدین و احساس تنهایی ایفا نموده و وزن بتا را در حوزه‌ی دلبستگی به والدین، و در هر دو بُعد احساس تنهایی، نسبت به مرحله‌ی اول کاهش داده است. لازم به یادآوری است که با توجه به ضرایب مسیر بتا برای بُعد کناره‌گیری از والدین، این بُعد نقش واسطه‌ای معناداری ایفا نمود. علاوه بر این، نتایج این تحلیل نشان داد که خودکارآمدی اجتماعی به‌عنوان متغیری واسطه‌ای در پیش‌بینی بُعد احساس تنهایی عاطفی نقش بیشتری نسبت به بُعد احساس تنهایی اجتماعی ایفاء می‌کند. این یافته همسو با پژوهش‌های پیشین است که نشان داده‌اند افراد دل‌بسته‌ی ایمن، مهارت‌های اجتماعی

۴۴..... نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ...

دارند و کفایت اجتماعی با ادراک سطوح پایینی از احساس تنهایی در ارتباط است. دلبستگی، پیش‌بینی کننده احساس تنهایی است و ارتباط بین دلبستگی ایمن و اجتنابی با احساس تنهایی به واسطه مهارت‌های اجتماعی صورت می‌گیرد (دی‌توماسو، مک‌نالتی، راس و برگس، ۲۰۰۳). مطالعات مشابه نشان داده‌اند که خودکارآمدی اجتماعی نقش واسطه‌ای معناداری بین دلبستگی اضطرابی، احساس تنهایی و افسردگی در آینده ایفا می‌کند (وی و همکاران، ۲۰۰۵).

به‌عنوان جمع‌بندی مطالب مطرح‌شده می‌توان گفت که یافته‌های مطالعه حاضر می‌تواند تلویحاتی متعدد برای والدین که به‌عنوان یک منبع حمایتی قوی و نقش برجسته‌ای که در پیشگیری از آسیب‌های نوجوانی و مخصوصاً احساس تنهایی دارند، جهت تعامل والد-فرزندی مطلوب ارائه دهد تا با شکل‌گیری دلبستگی ایمن، پایگاهی عاطفی در کودک برای شکل‌گیری خودباوری مثبت فراهم شود. خودباوری مثبت در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که فرد رابطه‌ای آشکار میان سطح تلاش خود و نتیجه‌ی عمل می‌یابد، از این منظر والدین موظف‌اند تا چنین موقعیتی را خلق کنند و این تصور مثبت را در کودکان ایجاد کنند. تعاملات سازنده و مؤثر در خانواده و گروه همسالان منجر به این می‌شود که نوجوان مهارت‌ها و توانایی بسیاری را کسب کند و کارآمدی بیشتری را در بافت اجتماعی تجربه کند. درنهایت، از طریق خودکارآمدی اجتماعی است که فرد می‌تواند ارتباطات اجتماعی خود را لذت‌بخش سازد. حس خودکارآمدی اجتماعی باعث ایجاد روابط اجتماعی مثبت می‌شود، درحالی‌که فقدان این سازه فرد را به‌سوی کناره‌گیری و بیگانگی اجتماعی سوق می‌دهد (بندورا و همکاران، ۱۹۹۹). بنابراین، ناکارآمدی اجتماعی با کاهش حوزه‌ی فعالیت و قابلیت عملکرد فرد، تعاملات اجتماعی فاقد کیفیتی را به دنبال دارد که پیامد آن احساس تنهایی است. با استناد به یافته‌های پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن این واقعیت که احساس تنهایی دارای پیامدهای مهمی در سلامت جسمانی و روانی است، می‌توان به تمهیداتی برای پیشگیری از گسترش و یا ابقای احساس تنهایی در دوره‌ی نوجوانی اندیشید. بنابراین، چنانچه در درجه اول دلبستگی ایمن و خودکارآمدی در نوجوان از طریق والدین تقویت و یا منابع تضعیف‌کننده آن‌ها شناسایی و مرتفع شوند، می‌توان در جهت کاهش احساس تنهایی و جلوگیری از تبعات ناخوشایند آن اقدام کرد. به دلیل آنکه شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر کرمان بودند، در جهت تعمیم نتایج آن به جمعیت‌های دیگر بهتر است جانب احتیاط رعایت

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دل‌بستگی به گروه همسال و ۴۵

شود. تکرار پژوهش‌های مشابه با پژوهش حاضر در سایر دوره‌های سنی و شهرهای دیگر و در چندین مقطع از زندگی این افراد (در قالب تحقیقی طولی) می‌تواند افق دید وسیع‌تری را در مورد نتایج و تعمیم آنها فراهم آورد. همچنین، این تحقیق یکی از قابل توجه‌ترین تجارب نوجوانی یعنی احساس تنهایی را مورد بررسی قرار داده است، به نظر می‌رسد که اساس پیدایش این احساس در نوجوانی به روابط اولیه با والدین بر می‌گردد؛ از اینرو، توصیه می‌شود دیگر فاکتورهای دخیل (جوّ خانواده، سبک‌های فرزندپروری و ...) را به طور همزمان در نظر بگیرند. تعلیم و تربیت در کشور ما، امروزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند تدبیر پژوهش‌بنیان است. کاری که اگر انجام نشود، به هیچ هزینه‌ای جبران نخواهد شد. انتظار می‌رود اندیشه‌مندان و پژوهشگران، این ضرورت بزرگ را هرچه بیشتر بازشناسی کنند.

یادداشت‌ها

- | | |
|--|--|
| 1.Sullivan | 22.Berguno, Leroux, Mcainsh & Shaikh |
| 2.Horowitz & French | 23.Saklofske, Yackulic & Kelly |
| 3.Mcwhirter | 24.Hojat & Crandall |
| 4.Ouellet | 25.Weiss |
| 5.Social Loneliness Feeling | 26. Emotional Loneliness Feeling |
| 6.Attachment Figure | 27.Significant Others |
| 7.Barrocas | 28.Ditommaso, McNulty, Ross & Burgess |
| 8.Mikulincer & Nachshon | 29.Bartholomew |
| 9.Internal Function Models | 30.Bretherton |
| 10.Shaver | 31.Krejci & Morgan |
| 11.Muris | 32.Ditommaso, Brannen, & Best |
| 12.Armesden & Greenberg | 33.Social-Emotional Loneliness Scale For Adults-Short Form (SELSA-S) |
| 13.Self-Efficacy Questionnaire Children (SEQ-C) | 34.Inventory Of Parent And Peer Attachment (IPPA) |
| 14.Kaiser-Mayer-Olkin (Kmo) | 35.Baron & Kenny |
| 15.Comparative Index | 36.Bentler |
| 16.Tucker Lewis Index | 37.Root Mean Square Error Of Approximation |
| 17.Browne And Cudeck | 38.Bernardon, Babb, Larson & Gragg |
| 18.Larose, Guay & Boivin | 39.Larson |
| 19.Carroll, Houghton, Wood, Unsworth, Hattie, Gordon & Bower | 40.Wiseman, Mayselless & Sharabany |
| 20.Wei, Russell & Zakalik | 41.Bowlby |
| 21.Goodwin | 42.Bandura |

منابع

الف. فارسی

- اشرف، پریچهر (۱۳۸۵). بررسی تأثیر دلبستگی به والدین بر خودمختاری نوجوانان با توجه به دلبستگی والدین آن‌ها به پدر و مادرشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- جوکار، بهرام و سلیمی، عظیمه (۱۳۹۰). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان، *مجله علوم رفتاری*، ۵(۴)، ۳۱۷-۳۱۱.
- سلیمی، عظیمه و جوکار، بهرام (۱۳۹۱). رابطه علی ادراک دلبستگی و آسیب‌پذیری شخصیت با احساس تنهایی در دوره نوجوانی، *مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۴(۱)، ۲۶۴-۲۴۵.
- حسین‌چاری، مسعود و خیر، محمد (۱۳۸۱). بررسی کارآیی یک مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۹(۱)، ۵۹-۴۶.
- سلیمی، عظیمه (۱۳۸۷). مدل علی پیرامون پیش‌آیندها و پیامدهای احساس تنهایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- طهماسبیان، کارینه (۱۳۸۴). مدل‌یابی خودآزمندی در افسردگی نوجوانان ایرانی بر مبنای مدل عاملیتی بندورا از افسردگی. رساله دکتری روان‌شناسی بالینی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد، تهران: انتشارات سمت.

ب. انگلیسی

- Amiri, F., Banijamali, Sh., Ahadi, H., & Ahadi, Y. (2013). The relationship between attachment style and self – efficacy beliefs with regard to sex. *European Journal of Experimental Biology*, 3(1), 699-704.
- Armesden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationships to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*. 16(5), 427-454.

- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- Bandura, A., Pastorelli, C., Barbaranelli, C., & Caprara, G. V. (1999). Self-efficacy pathways to childhood depression. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 258-269.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Barrocas, A. L. (2006). Adolescent Attachment to Parents and Peers. *The Emory Center for Myth and Ritual in American Life Working Paper*, 50.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-224.
- Bentler, P.M. (1990), "Comparative Fit Indexes in Structural Models," *Psychological Bulletin*, 107 (2), 238-46.
- Berguno, G., Leroux, P., McAinsh, K., & Shaikh, S. (2004). Children's Experience of Loneliness at School and its Relation to Bullying and the Quality of Teacher Interventions. *The Qualitative Report*, 9(3), 483-499.
- Bernardon, S., Babb, K., Larson, J. & Gragg, M. (2011). Loneliness, Attachment & Perception & use of social support in university students, *Canadian Journal of Behavioural Science*, 43(1), 40-51.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss*. Attachment: Vol. 1, Basic Books, New York.
- Bretherton, I. (1985). Attachment theory: Retrospect and prospect. In I. Bretherton & F. Waters (Eds.), *Growing points of attachment theory and research: Monographs of the Society for Research in Child Development*, 50, 3-35.
- Browne, M.W., & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen & J. S. Long (Eds.), *Testing structural equations models* (pp. 136-162). Newbury Park, CA: Sage.
- Carroll, A., Houghton, S. Wood, R., Unsworth, K., Hattie, J., Gordon, L., & Bower, J. (2009). Self - efficacy and Academic achievement in Australian high school Student: The mediating effects of Academic aspirations and achievement. *Journal of Educational Psychology*. 12, 578-599.
- DiTommaso, E., Brannen, C., & Best, L. A. (2004). measurement and validity characteristics of the short version of the social and emotional loneliness scale for adults. *Educational and Psychological Measurement*, 64(1), 99-119.
- DiTommaso, E., Brannen-McNulty, C., Ross, L., & Burgess, M. (2003). Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. *Personality and Individual Differences*, 35, 303-312.
- Goodwin, L. (2004). The relevance of attachment theory to the philosophy organization, & practice of adult mental health care. *Clinical Psychology Review*, 23, 35-56.

- Hojat, M., & Crandall, R. (Eds.). (1987). Loneliness: Theory, research, and applications. *Special Issue of the Journal of Social Behavior and Personality*. San Rafael, CA: Select Press.
- Horowitz, L. M., & French, R. S. (1979). Interpersonal problems of people who describe themselves as lonely, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 74(4), 762-764.
- Kermani-Mamazandi, Z. & Shahidi, S. H. (2014). The relationship between religious attitude & attachment style with loneliness. *Reef Resources Assessment & Management Technical Paper*, 40, 385-392.
- Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational & Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Larose, S., Guay, F., & Boivin, M. (2002). Attachment, social support and loneliness in young adulthood: A test of two models. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 684-693.
- Larson, R. (1999). The uses of loneliness in adolescence. In K. Rotenberg & S. Hymel, *Loneliness in childhood and adolescence*, 296-322. New York: Cambridge University Press.
- Leary, M. R. (1999). Making sense of self-esteem. *Current directions in psychological science*, 8, 32-35.
- McWhirter, B. T. (1990). Loneliness: A review of current literature, with implications for counseling and research. *Journal of Counseling and Development*, 68, 417-422.
- Mikulincer, M. & Nachshon, O. (1991). Attachment style and patterns of self-disclosure, *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 321-331.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics and change*, New York: Guilford Press.
- Muris, P. (2001). A Brief questionnaire for measuring self-efficacy in youths. *Journal of Psychology and Behavioral Assessment*, 23(3), 145-149.
- Ouellet, R. (2001). The social network and attachment bases of loneliness. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science at Virginia Commonwealth University.
- Saklofske, D. H., Yackulic, R. A. (1989). Personality predictors of loneliness. *Personality and Individual Differences*, 10, 467-472.
- Saklofske, D. H., Yackulic, R. A., & Kelly, I. W. (1986). Personality and Loneliness. *Personality and Individual Differences*, 7, 899-901.
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2002). What do self-report attachment measures assess? *Attachment and Human Development*, 4, 243-257.
- Significant other. (n.d.). In Wikipedia. Retrieved January 1, 2016, from https://en.wikipedia.org/wiki/Significant_other
- Sullivan, H. S. (1953). *The Interpersonal Theory Psychiatry*, New York: Norton.
- Wei, M., Russell, D. W., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, social self-efficacy, self-disclosure, loneliness and subsequent depression for freshman college student: A longitudinal study. *Journal of Counseling Psychology*, 25(4), 602-611.

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی اجتماعی در رابطه بین دلبستگی به گروه همسال و ۴۹

Weiss, R. S. (1973). *Loneliness: The Experience of Emotional and Social Isolation*. Cambridge, Mass.

Wiseman, H., Mayseless, O. & Sharabany, R. (2006). Why are they lonely? Perceived quality of early relationships with parents, attachment, personality predispositions and loneliness in first-year University. *Personality and Individual Differences*, 40(2), 237-248.